

اشغال مرکز ساواک در ژنو

وافشای فعالیت‌های ساواک در اروپا

و تا بحال تعدادی از آنها در مطبوعات کشورهای مختلف منتشر شده است.
 رژیم طبق معمول ادعا می‌کند اسنادی که از طرف کنگره راسیون منتشر شده است جعلی هستند و آنچه که از کنسولگری "پوده شده" تعدادی گذرنامه، شناسنامه و غیره بود. معمولاً وقتی اسناد سری یک سازمان جاسوسی بدست مخالفین می‌افتد چنین سازمانی اینسئ سأله را باید بناچار انکار کند ولی ماموران ناشی رژیم در سوئیس پسر از اشغال کنسولگری آنچنان دستاچاه شده بودند که نه تنها این اصل ابتدائی فعالیت جاسوسی را فراموش کردند بلکه حتی طبعه اشغال کنندگان به دادگاه شکایت می‌کنند و از دولت سوئیس می‌خواهند اشغال کنندگان که اسنادشان را پس بگیرد. سینه اشتباه بزرگ خود پی برده، و متوجه می‌شوند اگر بخواهند اشغال کنندگان را به دادگاه بیاورند و اسنادشان را پس بخواهند محتوی واقعی اسناد فاش خواهد شد. در نتیجه شکایت خود را پس می‌گیرند ولی از آنجا که "پوده شدن" اسنادشان را نمی‌توانند انکار کنند ادعا می‌کنند که این اسناد گذرنامه و غیره بوده‌اند. بعید هم نیست که برای اثبات این ادعا عده‌ای را در سوئیس از گذرنامه هایشان محروم کرده باشند.

اسناد فاش شده بطور قاطعی ثابت می‌کنند که رژیم شاه بسیار استفاده از ماسک دیپلماتیک در محل کنسولگری ژنو مرکز مهمی برای شبکه فعالیت‌های ساواک در اروپا ایجاد کرده است. این مرکز بصورت رابطی بین ماموران ساواک وابسته به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های مختلف و مرکز ساواک در تهران عمل کرده و فعالیت‌های ساواک را در کل اروپا اداره می‌کند. یکی از فعالیت‌های این است که در شهر ژنو سمینارهایی برای رؤسای ماموریت‌های مختلف ساواک بمنظور بررسی فعالیت‌هایشان و برنامه ریزی تشکیل می‌دهد. اسناد مربوط به یکی از این سمینارها که سال گذشته بین ۱۲ و ۱۹ اکتبر در ژنو زیر نظر پرویز خوانساری رئیس کل فعالیت‌های ساواک در اروپا تشکیل شد در نشریه سوئیس لاپرش ۱۴ ژوئن ۱۹۷۶ | La Broche نشریه بخش بین الملل چهارم در سوئیس منتشر شد. ۱۶ تن از ماموران ساواک

اخراج سرهنگ احمد مالک مهدوی از سوئیس در اواخر ماه اوت ضربه مهمی بر فعالیت‌های سازمان امنیت در خارج از کشور وارد آورد. مالک، با سمت رسمی دبیر اول نمایندگی دائمی دولت ایران در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو، در حقیقت رئیس ساواک در سوئیس و یکی از گردانندگان مرکز فعالیت‌های اروپائی ساواک واقع در محل کنسولگری ایران در ژنو بوده است. اخراج او از طرف دولت سوئیس نتیجه مستقیم مبارزاتی است که در طی سال گذشته توسط دانشجویان ایرانی و نیروهای مترقی سوئیس علیه فعالیت‌های سازمان امنیت در این کشور انجام گرفته است. بخصوص اشغال کنسولگری ژنو در ماه ژوئن توسط کنگره را. سهون و بکمک نیروهای مترقی سوئیس و افشای اسناد سری سازمان امنیت - و پیروزی مهمی برای این مبارزات بشمار می‌رود.

مسألله فعالیت‌های ساواک در سوئیس و وجود مرکز فعالیت‌های اروپائی ساواک در ژنو از مدت‌ها قبل مطرح شده بود. قبلاً مدارکی بدست آمده بود که نشان می‌داد کنسولگری ایران در ژنو در حقیقت مرکز فعالیت‌های ساواک است و "دیپلمات‌های" آن اکثراً ماموران ساواک و اداره کنندگان این مرکزند. حلیفات و فعالیت‌هایی که در این رابطه انجام گرفت باعث شد که چند ماه پیش این مسألله حتی در پارلمان سوئیس مطرح گردد و دولت سوئیس مجبور شود که لااقل برای حفظ آبرو به پلیس سوئیس دستور دهد که "تحقیقاتی" در مورد فعالیت‌های ساواک در سوئیس آغاز کند. در چنین شرایطی بود که روز اول ژوئن برای جلب وسیعتر افکار عمومی به ماهیت واقعی کنسولگری ژنو و اعتراض به کشتارهای خونینی که رژیم در آن زمان در ایران شروع کرده بود، کنسولگری اشغال شد.

اشغال کنسولگری ژنو وجود مرکز فعالیت‌های اروپائی ساواک را کاملاً به اثبات رساند. بسیاری از اسنادی که در کنسولگری کشف شد کوچکترین ربطی به فعالیت‌های عادی یک کنسولگری نداشته بلکه نامه و اسناد سری مربوط به فعالیت‌های ساواک در سراسر اروپا بود. بدین ترتیب حدود ۲۸۰۰ سند که بسیاری از جزئیات فعالیت‌های ساواک در اروپا در آنها ذکر شده هم اکنون در دست کنگره راسیون است.

شماره: ۳۳۲ / ۱۱۷۴
 تاریخ: ۲۹/۶/۷۰
 به: سیمین
 از: بریتول

در مورد تعلیم و تدریس دانش تئوری و عملی کارگشا رسید فرمودند به آقای معین زاده در انگلستان اطلاع داده شود تا تحقیقات بیشتری درباره ارتباطات این پرونده با پارلمان انگلستان با عناصر شرف ایرانی بعمل آید و نتیجه را بلافاصله به مرکز اطلاع تا تصمیمات لازم بعدی اتخاذ شود. فضا به رو آورد لویا در لندن با آبر شده تا میزان پنجه در محل نهایت مدت را در عملیات تعقیب افراد پارلمان انگلستان جذب دارند و در اطراف شان سکنی آنها توقف‌های طولانی نداشته باشد.

دو نسخه از اسناد ساواک

- سیمین = مرکز ساواک در ژنو
- کارگشا = تصویر
- تعیین پنجه = مامور ساواک
- بریتول = مرکز ساواک در تهران
- لویا = ساواک
- با مداد = پرویز تابتی



وزارت امور خارجه

شماره: _____
 تاریخ: _____
 نام: _____

از: بریتول کنگره

موضوع: جنبه‌های خوانساری - سرهنگ احمد مالک مهدوی - سوئیس

محل: _____

بروزت بخشنامه ای که به تعلیمات، فعالیت‌های، در خارج از ایران شده است زیرا "مغایزه می‌رود و در وقت (من پیشنهاد مغایره بود)

در مدت اقامت در سوئیس مرکز خوانساری در خارج از سوئیس مرکز اطلاعاتی شماره یک تعیین شد. و آقای دکتر ملک مهدوی ساواک با همکاری ماموران امنیتی مربوطه مانند پارلمان اطلاعات رسید. را از چاپخانه‌های دیپلمات خواهد داشت طبقه اطلاعات مرکز را برای بررسی و اقدام لازم ملاحظه که سال گذشت عمل جسد در اختیار فرمودند. کارخانه‌های امنیت پس قرار خواهد داد طبقه وصول این دستورها و گزارش اعلام فرماید بعد.

مختم: _____

در اروپا منجمله مالک در این سمینار شش روزه که مخارج آن بنا به صورت حسابی که به تهران فرستاده شده بود ۵۹۴۴/۸۰ فرانک یعنی حدود ۱۷ هزار تومان بود شرکت کردند.

در خود سوئیس که تعداد و فعالیت سیاسی دانشجویان ایرانی محدود است فعالیت‌های ساواک بیشتر متوجه افراد و سازمان‌های مترقی سوئیس که علیه رژیم شاه فعالیت می‌کنند بوده است. اسناد فاش شده نشان می‌دهند که ساواک علیه تعدادی از آنها بویژه اعضای کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران و بخش بین الملل چهارم در سوئیس Ligue Marxiste Revolutionaire جاسوسی می‌کرده و سعی داشته که از فعالیت‌هایشان جلوگیری کند. علاوه بر این اسناد فوق نشان می‌دهند که ساواک در این فعالیت‌ها از همکاری نزدیک پلیس سوئیس برخوردار بوده است. یکی دیگر از اسنادیکه در شماره ۱۴

ژوئن لایبرش چاپ شده است (و اخیراً در نشریه معروف آلمانی در شپینگل Der Spiegel ۶ سپتامبر نیز چاپ شده است) صورت جلسه مذاکراتی است که بین دو نماینده ساواک، مالک و ستوده، و دو مأمور سوئیس، رئیس پروتکل سوئیس و رئیس سرویس امنیت و اطلاعات پلیس ژنو، قبل از سفر شاه به ژنو در تابستان ۱۹۷۲ صورت گرفته است. از جمله درخواست‌های نمایندگان ساواک از دولت سوئیس این بوده است که در زمان سفر شاه از تظاهرات علیه او و بخصوص تظاهرات در مسیری که او طی خواهد کرد جلوگیری شود. مأموران سوئیس قبول می‌دهند که حتی الامکان این درخواست را اجرا کنند. همچنین از دولت سوئیس درخواست می‌شود که در مدت اقامت شاه اجازه ورود به برخی دانشجویان ایرانی به سوئیس داده نشود. این درخواست را هم مأموران سوئیس قبول کرده و حتی درخواست یک لیست جدید از این دانشجویان می‌کنند. در مقابل خواست‌های ساواک مأموران سوئیس تقاضا می‌کنند که "قبل از تشریف فرمائی اعدام‌های جدیدی در ایران صورت نگیرد تا از طریق جرایم سوئیس با انعکاس این قبیل اخبار مستمسک بدست افراد تندرو در سوئیس داده نشود و وظایف ما را از نظر منع تظاهرات مشکل ننماید."!

در مقابل چنین مدارکی دولت سوئیس ظهیرم رابطه نزدیک و دوستانه‌ایکه با دیکتاتوری شاه دارد نمی‌توانست هیچ عکس‌العملی نشان ندهد. البته دولت سوئیس با همکاری مطبوعات پوزیتو سوئیس که حتی الامکان در مورد این ساله سکوت کردند کوشش کرد که عکس‌العملی نشان ندهد ولی مبارزات و تبلیغاتی که از طرف نیروهای مترقی در سوئیس انجام شد بالاخره آنها را مجبور کرد که مالک را از سوئیس اخراج کند. دولت ایران هم برای "تلافی" فوراً یک دیپلمات سوئیس را از ایران اخراج کرد.

گرچه خبر اخراج مالک و دیپلمات سوئیس در مطبوعات رژیم منتشر گشت این خبر بصورت بسیار رموزی در مقالاتی که واضح است از طرف خود ساواک به جرایم داده شده بود و شکل اعتراض شدید به دولت سوئیس را داشت مطرح شد. زیرا رژیم نمی‌خواست بهیچوجه رابطه اخراج مالک با اشغال کنسولگری ژنو و افشای اسناد ساواک مطرح شود. در مقاله‌ایکه در اطلاعات هوایی (۱۱ شهریور) چاپ شد اصلاً اسم مالک هم ذکر نشده، صرفاً، به "دبیر اول نمایندگی دائمی در سازمان ملل" اشاره شده است. برای رموز کردن مقاله در مورد اخراج مالک در این مقاله نوشته شده است: "عل ناگهانی و بیسابقه دولت سوئیس باعث تعجب و حیرت کلیه محافل دیپلماتیک شد." ولی در همین مقاله رژیم عملاً به بسیاری از مسائل اعتراف کرده است: "باید دانست دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد که مسؤولیت امنیتی داشته طبق وظائف خود مأموریت خویش را سالها در سوئیس انجام می‌داده..." - بزبان ساده مالک ساواکی بوده است. "و از این گذشته از ابتدای شروع خدمت رسماً به مقامات امنیتی سوئیس معرفی شده و سالها با آن مقامات همکاری داشته است. بویژه هنگام مسافرت‌های مقامات عالی و هیئت‌های رسمی و وزیران کابینه به آن کشور برای حفظ امنیت و جان شخصیت‌ها با مقامات امنیتی سوئیس همکاری نزدیک می‌نموده است." قبلاً به نمونه‌ای از این "همکاری نزدیک" با مقامات امنیتی سوئیس اشاره کردیم. منظور از حفظ جان مقامات عالی هم دیدیم که جلوگیری از تظاهرات علیه شاه و جلوگیری از ورود دانشجویان مبارز به سوئیس هنگام سفر شاه است! در همین مقاله برای اولین بار به اشغال کنسولگری ژنو بعنوان "حطه‌ایکه قریب یکسال پیش

از طرف عده‌ای اخلاک‌گرا حرفه‌ای به کنسولگری ایران در ژنو شد" اشاره شده است. بظن میرسد که نویسندگانه مقاله فاصله زمان سه ماهه بین اشغال کنسولگری و اخراج مالک را یکسال کرده است که مبادا اشخاص ساده "منحرف" شوند و به این فکر بیفتند که شاید رابطه‌ای بین "حطه اخلاک‌گران حرفه‌ای" به کنسولگری و اخراج مالک وجود داشته است! از طرف دیگر ممکن است که شاه دوباره خواب‌نما شده و دستور داده که سال سه ماه بشود و ما هنوز خبر نداریم!

علاوه بر مطالبی که در رابطه با فعالیت‌های ساواک در سوئیس از درون این اسناد فاش شده است مطالب دیگری در رابطه با فعالیت‌های ساواک در خارج بطور کلی نیز فاش شده و در مطبوعات منعکس گشته‌اند. این اسناد نشان می‌دهند که ساواک در بسیاری از کشورها با استفاده از ماسک دیپلماتیک فعالیت می‌کند و بسیاری از "دیپلمات‌های" ایرانی در اروپا چیزی جز مأمورین ساواک نیستند. علاوه بر این مأموران ساواک از حقوق ویژه‌ای در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها برخوردارند. عملاً مقامات دیپلماتیک از آنها دستور می‌گیرند و بالعکس و کارمندان عادی دیپلماتیک مجبور هستند با آنها همکاری کنند. در یک نامه که از طرف وزیر امور خارجه، خلعتیری، به کلیه سفارت‌خانه‌ها فرستاده شده است به اعضای نمایندگی‌های دیپلماتیک دستور داده می‌شود که نمایندگان ساواک را در کلیه جلسات خود شرکت داده، در جریان کلیه مسائل گذارده و از هر لحاظ با آنها همکاری کنند.

واضح است که قسمت عده فعالیت‌های ساواک در خارج متوجه دانشجویان مبارز بمنظور جلوگیری از مبارزاتشان علیه رژیم است. برخی از اسناد فاش شده نشان می‌دهند که ساواک برای این منظور حتی به فعالیت‌هایی مانند دزدی از منازل دانشجویان، استفاده از وسائل الکترونیک جاسوسی و کنترل تلفن متصل می‌شود. ولی علاوه بر دانشجویان ایرانی ساواک علیه اشخاص غیر ایرانی که علیه رژیم فعالیت می‌کنند نیز جاسوسی می‌کند. در مورد سوئیس به این مسأله اشاره شد ولی موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد: یکی از این موارد که در مطبوعات انگلستان انعکاس وسیعی پیدا کرد جاسوسی علیه دو نماینده پارلمان انگلستان - استن نیونز و ویلیام ویلسون - است. یکی از اسناد فاش شده نامه‌ای است از "بامداد" (اسم مستعار پریوز ثابت رئیس اداره سوم ساواک) به مرکز ژنوکو در آن دستور "کارگشا" (نصیری رئیس ساواک) به معین زاده رئیس ساواک لندن دستور داده شده است که مأموران ساواک در لندن این دو نماینده پارلمان را که سابقه طولانی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران دارند تحت نظر قرار دهند و اطلاعاتی در مورد رابطه‌شان با دانشجویان مبارز ایرانی کسب کنند.

همکاری نزدیک بین ساواک و پلیس کشورهای مختلف اروپایی علاوه بر سوئیس، که خود رژیم به آن معترف است، در بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی نیز وجود دارد. البته دانشجویان ایرانی مدت‌هاست که عملاً با این نوع همکاری مواجه و از آن آگاه بوده‌اند ولی اسناد کشف شده این ساله را کاملاً ثابت می‌کنند. مثلاً یکی از اسنادیکه در مجله در شپینگل چاپ شد به منع ورود عده‌ای از دانشجویان "منحرف" از ایتالیا به آلمان اشاره می‌کند. یکی دیگر از اسناد در رابطه با ۲۱ نفر از اعضای کنفدراسیون که سال گذشته سفارت ایران را در لندن اشغال کردند، وجود همکاری نزدیک بین پلیس انگلستان و ساواک علیه این ۲۱ نفر را نشان می‌دهد. البته مبارزه وسیعی که در دفاع از این ۲۱ نفر انجام شد باعث گشت که توطئه ساواک و پلیس انگلستان علیه‌شان بی‌نتیجه بماند.

فعالیت‌های ساواک در خارج به جاسوسی محدود نیست. بنا بر یکی از اسناد کشف شده، تحت عنوان "طرح ایجاد انجمن‌های دانشجویی در خارج از کشور" که در ارگان دفاعی کنفدراسیون پیمان (خرداد ۱۳۵۵) چاپ شد، یکی از طرفی که ساواک برای مقابله با رشد انجمن‌های دانشجویی ضد رژیم در نظر دارد عارتست از ایجاد "انجمن‌های دانشجویی" خودی (ساواکی) فهم نویسنده ساواک از دلایل تمایل دانشجویان مقیم خارج به فعالیت‌های سیاسی اینست که سازمان‌های دانشجویی ضد رژیم با "اقداماتی نظیر اخذ پذیرش از دانشگاه‌ها، تهیه مسکن، دادن وام، جلسات جشن، پیک نیک، اردوهای مختلف ترتیب داده و باین وسیله از یکطرف دانشجویان

ایرانی را که در کشورهای خارج احساس غربت میکنند دور هم جمع نموده و از طرف دیگر بتدریج افکار مضره خود را به آنان تلقین مینماید. بند " چون دلیل عدم تعادل دانشجویان را به سازمانهای دانشجویی ضد رژیم فراهم کردن امکانات بیک نیک، جشن و غیره می دانند نویسنده باین نتیجه میرسد که اگر ساواک انجمن هائی بمنظور فراهم کردن این امکانات ایجاد کند می تواند از رشد سازمان های دانشجویی ضد رژیم جلوگیری کند. بنابراین پیشنهاد می کند که چنین سازمان هائی بسا همکاری افراد ارتجاعی مقیم خارج ایجاد شوند. آنچه که این "ثورسین" ساواک با پیش بردورانه اش نمی فهمد و نمی تواند هم بفهمد اینست که جلب دانشجویان ایرانی به انجمن های دانشجویی ضد رژیم ملت سیاسی دارد و دانشجویان بخاطر "بیک نیک" به این انجمن ها نمی پیوندند بلکه برای مبارزه علیه رژیم در نتیجه نویسنده این مقاله تعجب می کند که چرا " در حالیکه اعلام میشود کلیه اعضای کنفدراسیون در سراسر کشورهای اروپا و آمریکا بیش از دو هزار نفر نیست چگونه این تعداد قلیل با درآمد های دانشجویی و یا احياناً کمک های خارجی (که مسلماً مقدار آن محدود خواهد بود) موفق شده اند که تنها حدود ۸۵ سازمان دانشجویی ایرانی را در نقاط مختلف جهان ایجاد نمایند در حالیکه دولت شاهنشاهی با وجود این همه امکانات و بودجه و در موقعیتی که به هیچوجه با موقعیت کنفدراسیون قابل قیاس نیست نتوانسته حتی یک سازمان دانشجویی موافق در خارج از کشور تاسیس نماید " بی پایه بودن "ثوری" های این نویسنده در عمل کاملاً ثابت شده اند. کلیه کوشش های رژیم برای ایجاد سازمان های دانشجویی "موافق" بی نتیجه مانده اند. یک نمونه از این سازمانها "موافق" انجمنی است بنام "انجمن دانشجویان ایرانی در بریتانیا" که در لندن فعالیت میکند. بودجه سالیانه این انجمن که بنا بر یکی از اسناد عمدتاً توسط سازمان امنیت و وزارت خارجه تامین می شود ۹۰۰۰ لیره یعنی بیش از ۱۰۰ هزار تومان است. با چنین بودجه ای این انجمن قاعدتاً باید بتواند " جشنها " و " بیک نیک " های بسیاری برگزار کند و بنا بر ثوری ساواک تعداد زیادی دانشجویی جلب کند ولی واقعیت طور دیگریست. این انجمن بهیچوجه نتوانسته است دانشجویان ایرانی را جلب کند و کارش بجائی رسیده که در یک نامه بساواک سخت شکایت می کند کل فعالیتهایش در نتیجه اینکه از ایران فیلم برایش نفرستاده اند کاملاً راکد شده است.

از آنچه ذکر شد و از آنچه در اسناد فاش شده مشاهده می شود میتوان دید که فعالیتهای ساواک در خارج بسیار وسیع ترند ولی این بهیچوجه باین معنی نیست که این فعالیتهای مؤثرند. برای همین و حتی "ثورسین" های خود ساواک واضح است که غیرمعمول تمام کوشش هایش بمنظور جلوگیری از فعالیتهای دانشجویان مبارز در خارج ساواک نتوانسته است از این فعالیتهای و یا حتی از رشد آنها جلوگیری کند. یکی از نتایج رشد مبارزات طبقاتی در ایران در سالهای اخیر تشدید مبارزات دانشجویان ایرانی در خارج از کشور علیه رژیم شاه بوده است. غیرمعمول بحرانهای شدیدی که در طی دو سال گذشته سازمانهای دانشجویی خارج از کشور با آن روبرو بوده اند، در این مدت ما شاهد پیوستن قشر هرچه وسیع تری از دانشجویان مقیم خارج به فعالیتهای دفاعی بوده ایم. رژیم شاه همیشه حساسیت زیادی نسبت به مبارزات دانشجویان در خارج داشته است. رشد سرمایه داری در ایران موجب شده است که رژیم و سیستم سرمایه داری ایران احتیاج روزافزونی به کادرهائیکه تعلیمات عالی دیده اند پیدا کند. خود رژیم هم قادر نیست که با توسعه موسسات آموزش عالی در ایران این احتیاجات را رفع کند زیرا این دستگاه فاسد نه توانائی آن را دارد که این موسسات را بسرعت و وسعت کافی ایجاد کند و نه علاقه زیادی دارد که این موسسات را که همیشه از مراکز مهم مبارزات علیه رژیم بوده اند توسعه دهد، برعکس اگر بخاطر ظاهر سازی نبود آن موسسات موجود را هم می بست همانطور که بسیاری از این موسسات را از ترس فعالیتهای سیاسی دانشجویان اغلب سالی نش ماه تعطیل می کنند. در نتیجه هر سال تعداد هرچه بیشتری از جوانان ایرانی مجبورند برای ادامه تحصیل بخارج بروند. رژیم هم برای رفع احتیاجات خود مجبور است به آنها اجازه ادامه تحصیل در خارج بدهد. البته رژیم دانشجویانی می خواهد که پس از تحصیل، سر نیزه و مطیع برگشته و بخدمت دستگاه دیکتاتوری اش یا مائین استعمار بورژوازی ایران

و بورژوازی امپریالیستی درایند. فعالیت سازمانهای دانشجویی در خارج راجح این آرزوی رژیم را بخطر می اندازد یا بقول خود رژیم تعداد زیادی از این دانشجویان را از راهی که برایشان در نظر دارد "منحرف" می کند.

از طرف دیگر رژیم شاه دائماً مقدار هنگفتی انرژی و پول صرف ایجاد یک چهره "آبرومند" و ماسکی برای پوشاندن چهره خونین واقعی خود می کند. فعالیتهای افشاگرانه سازمانهای دانشجویی در خارج این زحمات و مخارج رژیم را بی نتیجه کرده و علاوه بر آن افکار عمومی را در خارج علیه دیکتاتوری ارتجاعی شاه بسیج می کند. بنابراین باعث تعجب نیست که رژیم همیشه عکس العمل شدیدی نسبت به فعالیتهای سیاسی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نشان داده و همواره کوشیده است که از هر طریق ممکن از آنها جلوگیری کند. تنها راه حلی که رژیم ارتجاعی مانند رژیم شاه برای رفع مشکلاتش می شناسد استفاده از ترور و اختناق است زیرا رژیم که از هیچگونه پایگاه توده ای برخوردار نیست چاره ای جز این ندارد. عکس العمل رژیم در مقابل رشد مبارزات دانشجویان در خارج گسترش دستگاه اختناق یعنی ساواک به خارج و همکاری نزدیک با پلیس کشورهای خارجی برای جلوگیری از فعالیتهای سازمانهای دانشجویی و گذراندن قوانین ارتجاعی علیه سازمانهای دانشجویی مانند مخرب قابو-بی کردن کنفدراسیون بوده است. از این راه و با تبلیغات نژادگسی علیه سازمانهای دانشجویی و دانشجویان مبارز در خارج رژیم امید و بودجه است که از رشد مبارزات دانشجویی جلوگیری کند. واضح است که از این امید رژیم رهایی بیش باقی نمانده است. کوشش های ارتجاعی رژیم نه تنها باعث نشده که از فعالیتهای سازمانهای دانشجویی در خارج جلوگیری شود بلکه تنفر دانشجویان مترقی را نسبت به رژیم تشدید کرده است.

در شرایطی که رژیم روز بروز برای مقابله با سازمانهای مترقی دانشجویی در خارج، دستگاه سازمان امنیت را گسترش می دهد مبارزه با فعالیتهای ساواک، افشای این فعالیتهای و کوشش برای خاتمه دادن به آنها یکی از وظائف مهم کلیه دانشجویان مبارز در خارج است. از این نظر اشغال مرکز اروپائی ساواک در ژنو یک آکسیون بسیار مناسب بود که تا بحال نتایج مهمی داشته است. بدون شک این نتایج بسیار گسترده تر می توانند باشند، البته باین شرط که مبارزه ای که هم اکنون علیه ساواک آغاز شده است با استفاده از اسناد ضبط شده در سطح هرچه وسیعتر ادامه داده شود. اسنادیکه در حال حاضر در نتیجه اشغال مرکز ساواک در ژنو در دست کنفدراسیون است بسیار مهم تر از مدارک است که در گذشته بدست کنفدراسیون رسیده بودند. در نتیجه این اسناد اسلحه مهمی برای مبارزه علیه ساواک در خارج اند. اخراج مالك - اولین موردی که یکی از اعضای ماموریت های دیپلماتیک رژیم بدلیل فعالیتهایش بعنوان یک مامور ساواک از یکی از کشورهای اروپائی اخراج شده است اهمیت این مدارک را در رابطه با مبارزه علیه ساواک نشان می دهد. بدون تردید کنفدراسیون اکنون این اسناد را در اسرع وقت منتشر خواهد کرد و منتخبین از آنها را بزبانهای خارجی نیز ترجمه خواهد کرد، تا از این طریق آنها را در اختیار کلیه دانشجویان مبارز بگذارد تا با استفاده از آنها مبارزه خود را علیه ساواک یعنی نمایندگانش مستقیم ارتجاع رژیم شاه در خارج هرچه وسیعتر کنند.

فعالیتهائیکه تا بحال در رابطه با این اسناد شده فقط مقدمه یک مبارزه وسیعتر است. در خود سوئیس مبارزه ادامه خواهد داشت زیرا گرچه مالك اخراج گشته فعالیت ساواک در سوئیس ادامه دارد و بویژه خوانساری رئیس کلیه فعالیتهای ساواک در اروپا هنوز در سوئیس است. علاوه بر سوئیس در کشورهای دیگر نیز می باید مبارزه علیه ساواک و برای اخراج کلیه ماموران ساواک شروع شده یا بسط داده شود. اخراج مالك نشان داد که با یک مبارزه جدی و صحیح اخراج اینگونه غاطین رژیم از کشورهای اروپائی امکان پذیر است و بدون شک اخراج چنین افراد و افشاگری وسیعی که در رابطه با آن می تواند انجام گیرد ضربه بزرگی بر رژیم خواهد زد. یک مبارزه وسیع و هم آهنگ در این جهت در کشورهای مختلف یکی از وظایف مهمی است که اکنون در مقابل جنبش دانشجویی در خارج قرار گرفته است.